

بی‌تردید مهمترین، پربادنه ترین و بزرگترین رخداد سال ۱۴۰۱ خورشیدی که روی بسیاری از مسائل در نیمه دوم امسال سایه انداخت، مرگ دختری به نام مهسا (زینا) امینی در مقر گشت ارشاد بود.

پیش از مرگ مهسا امینی، بارها تصاویری از برخوردهای نادرست و خشن برخی ماموران با زنان و دختران به دلیل نوع حجاب و پوشش منتشر شده و انتقادهای فراوانی برانگیخته بود. حتی مدت کوتاهی پیش از مرگ مهسا، فیلم ایستادن یک مادر در مقابل ون گشت ارشاد در میدان صنعت که به دلیل بیماری دخترش از ماموران می‌خواست دخترش را همراه نبرند اما ماموران بی اعتنا به فریادهای مسادر، خودرو را به حرکت درآوردند، احساسات مردم را جریحه دار کرده بود. با این حال مرگ مهسا امینی جرقه ای بود که کاسه صبر بسیاری را به دلیل برخوردهای خشن با زنان و دختران، لبریز کرد و نه فقط تأثیرات اجتماعی گسترده ای داشت، بلکه تأثیرات سیاسی آن به آن سوی مرزها هم رسید و تبعات بیشتری پیدا کرد. مهسا امینی، دختر اهل سقز، متولد ۳۰ شهریور ۱۳۷۹، درست ۸ روز پیش از سالروز تولدش، در عصر روز سه‌شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ در مقر گشت ارشاد درگذشت. او که برای مسافرت روزهای پایانی تابستان همراه با خانواده اش به تهران سفر کرده بود، در مقابل ایستگاه متروی حقایق درحالیکه برادرش هم همراهش بود توسط ماموران گشت ارشاد بازداشت شد.

پس از اعتراض برادرش، به او گفته شد که خواهرش برای گذراندن «کلاس توجیهی» به بازداشتگاه منتقل شده و تا یک ساعت دیگر آزاد خواهد شد. اما او در کلاس توجیهی بیپوش شد و به بیمارستان کسری که چند صد متر با مقر گشت ارشاد فاصله دارد انتقال یافت. او سه روز در کما بود و سرانجام روز ۲۵ شهریور درگذشت. دلیل مرگ او صدمات وارده به جمجمه اعلام شد اما مسئولان این موضوع را تکذیب کردند.

انتشار نخستین خبرها درباره بستری شدن مهسا امینی در بیمارستان، افکار عمومی‌را حساس کرد و سرانجام با مرگ او در بیمارستان، اعتراضات گسترده ای در سراسر کشور شکل گرفت. باامداد ۲۶ شهریور پیکر امینی به مسقز انتقال داده شد و با حضور گسترده مردم و همچنین نیروهای امنیتی، او را در گورستان آچیجی به خاک سپردند. نوشته روی سنگ قبر او به زبان کردی، الهام بخش ترانه‌ها و شعارهای مختلفی شد: «زینا جان تو نمی‌میری؛ اسمت رمز می‌شود».

حواشی فراوان مرگ مهسا امینی موجب واکنش نیروی انتظامی‌شد. نیروی انتظامی‌جمهوری اسلامی‌در اطلاعیه‌های بردفтары با او را «خبار» و ادعاهای رسانه‌های معاندند دربرابر این حادثه» خواند و آن را رد کرد. در اطلاعیه پلیس پایتخت درباره مهسا امینی، بدون ذکر نام، او آمده بود:

چگونه مرگ مهسا امینی در مقر گشت ارشاد، جهانی شد؟

زن، زندگی، آزادی



«خانمی‌برای «توجیه و آموزش» به یکی از بخش‌های پلیس تهران بزرگ هدایت شده بود که «تاگهان» در جمع سایر افراد هدایت شده، «به‌طور نیروهای انتظامی‌و امنیتی و لباس شخصی بودند. خبرنگاران هم از ترکش‌های این ماجراها مصون نماندند. یلیوفر حامدی خبرنگار روزنامه شرق که از جمله خبرنگارانی بود که نخستین خبرها از بیمارستان کسری محل بستری شدن مهسا امینی را منتشر کرده بود و الهه محمدی خبرنگار روزنامه هم میهن که گزارشی از تشییع مهسا امینی در سقز تهیه کرده بود، از جمله خبرنگاران بازداشت شده بودند که با وجود گذشت نزدیک به شش ماه همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

اعتراضات به مرگ مهسا امینی که از اعتراض به ششویه بخورد با زنان و دختران و همچنین قانون حجاب اجباری آغاز شده بود، پیامدهای سیاسی هم داشت.

نیروهای اپوزیسیون خارج از کشور، با دیدگاهها و طرز فکرهای مختلف، به یکدیگر نزدیک شدند و برای نخستین بار شاهد برپایی جمععات دامنه دار برخی ایرانیان خارج از کشور با هدایت اپوزیسیون نظام جمهوری اسلامی‌در کشورهای مختلف بودیم که اوج آن در برلین و بروکسل و تورنتو و چند شهر دیگر شکل گرفت. اخراج ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد و افزایش هزینه‌های اجتماعی و سیاسی توافقات سیاسی با ایران و به تعلیق رفتن برجام، از دیگر پیامدهای این اعتراضات بود.

با گذشت شش ماه از مرگ مهسا امینی، اگرچه اعتراضات در داخل ایران تا حد زیادی فروکش کرده، اما زمینه‌های بروز این اعتراضات همچنان پابرجاست و شعار زن، زندگی، آزادی که با مرگ مهسا امینی در ایران متولد شد، حالا به شعار جهانی تبدیل شده که در هر کجای دنیا که شنیده شود، یادآور زنان و دختران ایرانی است.

فصل چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی‌ایران، درباره بازنگری در قانون اساسی است. بر اساس اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی که به موجب اصلاحاتی که در سال ۱۳۴۸ نسبت به قانون اساسی صورت گرفته، به این قانون الحاق شده است، بازنگری در قانون اساسی باز است. به همین دلیل حزب مردم سالاری طی سالهای اخیر همواره پیگیر اصلاح قانون اساسی به‌عنوان جمهوریست سوم بوده است. به گفته مصطفی کوآکیبان دبیرکل حزب مردم سالاری، پس از جمهوریست اول که مربوط به تصویب نخستین قانون اساسی جمهوری اسلامی‌و جمهوریست دوم که مربوط به بازنگری در قانون اساسی بود، کشور نیازمند جمهوریست سوم یعنی بازنگری جدید در قانون اساسی است تا شاهد خروج کشور از بن بست باشیم.

در سالل ۱۴۰۱، موضوع بازنگری در قانون اساسی بیش از گذشته مورد توجه حزب مردم سالاری قرار گرفت.اواخر مهرماه، یک ماه پس از درگذشت مهسا امینی و اتفاقات تلخی که در آن مقطع زمانی رخ داده بود، حزب مردم سالاری در بیانیه ای تفصیلی، ضمن ارائه تحلیل جامعی از روند رخدادهای یک ماه پس از مرگ مهسا امینی و زمینه‌های بروز این رودادها، اصلی‌ترین راه برورن‌رفت از مجموعه مشکلات کشور را فراندوم برای بازنگری قانون اساسی دانست. در بیانیه حزب مردم سالاری، ۱۰ اقدام مهم برای باز آفرینی و افزایش اعتماد عمومی‌پیشنهاد شده بود که شامل این موارد بود:
۱- عذرخواهی رسمی‌نیروی انتظامی‌به دلیل مرگ مهساامینی و هرگونه برخوردهای خشن ۲- برکناری و مجازات کلیه مفسران دخیل در مرگ مهسا امینی و شناسایی و مجازات عناصر لباس شخصی مهاجم به دانشگاه شریف۳- استعفاى وزیر کشور جهت التیام جراحات وارده بر اعتماد عمومی۴- انحلال رسمی‌گشت ارشاد و خودداری از شکل گرفتن آن به شیوه‌های متفاوت۵- آزادی بازداشتی‌های بیگناه به ویژه روزنامه‌نگاران، دانش‌آموزان و دانشجویان و شفاف‌سازی در مورد سایر بازداشت‌شدگان۶- رفع کامل انسداد اینترنت و رفع فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی، از جمله پلتفرم‌هایی که مسئولان نظام نیز علیرغم فیلترینگ در آن‌ها فعال هستند۷- اذعان افکار عمومی‌از طریق گفتگوهای ملی با کمیسیون در مورد بازنگری شیوه‌های اجرای احکام شرعی از جمله حجاب و خودداری از تداوم روند گذشته که موجب بروز اعتراضات اخیر شد. ۸- به رسمیت شناختن آزادی رسانه‌ها و ایجاد شفافیت فضای باز برای رسانه‌ها و مطبوعات از تمامی‌زمینه‌ها

به منظور جلوگیری از گرایش مردم به رسانه‌های بیگانه۹- اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی و به ویژه ارائه آمار رسمی‌و دقیق از تعداد کشته‌شدگان، مجروحان و بازداشتی‌های حوادث اخیر ۱۰- صدور اجازه برپایی یک تجمع برای معترضان در مجامع اصلی شهرهای مراکز استان‌ها به منظور شنیدن

آیا بازنگری در قانون اساسی به سرانجام خواهد رسید؟

حزب مردم سالاری، پیشگام طرح جمهوریت سوم



موضوع بازنگری در قانون اساسی در قطعنامه بیست و یکمین کنگره حزب مردم سالاری نیز بار دیگر مورد تأکید قرار گرفت: «بدون تردید برگزاری انتخابات آزاد، رقابتی و مبتنی بر فعالیت احزاب که اعتماد مردم را جلب کند مستلزم رفع بن‌بست‌های اساسی است و می‌توان به بیرون‌رفت کشور از حزب مردم‌سالاری در سال‌های گذشته بر اهمیت آن تأکید کرده و همچنان بر آن پافشاری می‌کند. تنها با اصلاح قانون اساسی با برگزاری یک فراندوم آزاد و پس از آن با هدف رفع بن‌بست‌های قانون اساسی است که می‌توان به بیرون‌رفت کشور از مشکلات امیدوار بود؛ در غیر این صورت با توجه

به فعالیت‌های مستمر و پیگیر دشمنان برای تضعیف حاکمیت ملی و افزایش شکاف بین مردم و حاکمیت، باید منتظر بود تا هرگونه نارضایتی مردم زمینه‌ساز زده شدن جرقه اعتراضات گسترده‌ای شود؛ همانند آنچه در پاییز ۹۶، آبان ۹۸ و همچنین نیمه دوم سال جاری شاهد بودیم. به عبارت ساده تسریع در بازنگری قانون اساسی علاج واقعه قبل از وقوع است.»

موضوع بازنگری در قانون اساسی حتی توسط اصولگرایانی همچون محمدرضا باهنر هم مطرح شده بود. با این تفاوت که او نام این بازنگری را جمهوریست دوم گذاشته بود. بنابراین به نظر می‌رسد بازنگری در قانون اساسی خواسته ای فراچنانی است. پیش از این کوآکیبان گفته بود ۱۵ محور در قانون اساسی نیاز به تغییر دارد از جمله لزوم مشخص کردن نظام پارلمانی ایران، جایگاه احزاب در ساختار سیاسی نظام، تعریف رجل سیاسی و مذهبی در قانون اساسی، مشخص کردن دقیق مجمع شمشخص مصححی، آقای مهتدس اختیارات شورای نگهبان، اختیارات شورای عالی امنیت ملی، مشخص کردن جایگاه نهادهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی، بحث انحصار صدا و سیما و دخالت نیروهای مسلح در سیاست. باید دید سال آینده بازنگری در قانون اساسی وارد مرحله تازه‌ای خواهد شد؟

یک سال دیگر در انتظار رفع تحریم گذشت!

سایه اعتراضات مردمی بر روی برجام



گسترده در سراسر کشور و سپس گسترش آن به ایرانیان خارج از کشور، موجب شد موضوع مذاکرات برجام کم کم به حاشیه رانده شود. نه تنها اعتراضات افکار عمومی‌در ایران، سایه سستگینی روی موضوع برجام و لغو تحریمها انداخته بود بلکه اعتراضات ایرانیان خارج از کشور و لابی اپوزیسیون، هزینه توافق مجدد برای لغو تحریمها را بسرای طرفهای غربی بالا برد. هرچند روسیه و چین در این زمینه حامی جمهوری اسلامی‌ایران بودند اما آمریکا و کشورهای اروپایی یک پای مهم مذاکرات بودند که حضور آنها برای دستیابی به توافق ضروری بود.

در نتیجه شش ماه دوم سال گذشته، هرچند خوشبین تصور می‌کردند زمان استفاده از برگ برنده تحریم روسیه توسط غرب و بهره برداری ایران از این فرصت باشد، عملا به تهدیدی علیه ایران تبدیل شد و مذاکرات عملا متوقف ماند. نه خبری از پاسخ آمریکا شد و نه اصولا افکار عمومی‌منتظر توافق بودند. چراکه حتی بدون وقوع اعتراضات هم جدیت چندانی برای مذاکره به آمریکا انتقال داده شد و ما منتظر پاسخ آمریکا هستیم. امیدواریم این پاسخ به ما اجازه دهد که مذاکرات را کامل کنیم، امیدوارم این اتفاق بیفتد اما نمی‌توانم به شما در این زمینه اطمینان بدهم.»

ده روز بعد، آمریکا به پاسخ ایران، پاسخ داد و آمریکا را هم مقبول توصیف کرد. همان زمان سخنگوی وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد که «بررسی دقیق نظرات طرف آمریکایی آغاز شده و جمهوری اسلامی‌ایران پس از تکمیل بررسی‌ها، نظرات خود در این رابطه را به هماهنگ‌کننده اعلام خواهد کرد.» اما این پیامهای رد و بدل شده، هنوز نتیجه توافق بود که اتفاقات اواخر شهریور ۱۴۰۱ ورق را برگرداند. درگذشت مهسا امینی و وقوع اعتراضات

دولتی که تابستان سال ۱۴۰۰ روی کار آمد یک ویژگی مهم در سیاست خارجی داشت: دولتمردانش با برجام مخالف بودند!از سیدابراهیم رئیسی که رئیس دولت بود و بارها گفته بود اقتصاد را به برجام گره نمی‌زنیم، تا علی باقری که مسئول تیم مذاکره کننده شد و البته مذاکرات در زمان او پیشرفت نداشت. حسن روحانی در آخرین روزهای دولتش در مرداد ۱۴۰۰ گفته بود که اگر به دولتش اجازه می‌دادند برجام در اسفند سال قبل، یعنی اسفند ۹۹ امضا می‌شد. اما کار به دولت رئیسی واگذار شد و امضای برجام به تأخیر افتاد.

در تابستان سال ۱۴۰۱، دولتمردان در دولت رئیسی اندک اندک متوجه شدند رفع مشکلات اقتصادی بدون احیای برجام و لغو تحریم امکانپذیر نیست. البته آنها اصرار داشتند که حتی از نام برجام هم استفاده نکنند و به جای نام بردن از مذاکرات احیای برجام، آن را به عنوان مذاکرات لغو تحریم توصیف می‌کردند. اما نتیجه یکسان بود: خبری از احیای برجام نبود و بر خلاف آنچه دولت ادعا می‌کرد، اقتصاد و معیشت مردم به برجام و لغو تحریم گره خورده بود.

مذاکرات در دولت رئیسی روند کندی داشت اما وقتی یک سنال از روی کار آمدن دولت رئیسی گذشت و دیدند که در اقتصاد کشور گشایشی ایجاد نشده، با جدیت بیشتری به مذاکرات توجه کردند. دور جدید مذاکرات رفع تحریم‌های ایران پس از وقفای پنج ماهه از ۱۳ مردادماه در شهر وین آغاز شد. این مذاکرات به مدت چهار روز ادامه داشت و روز دوشنبه ۱۷ مرداد با پرواز هیئت‌های شرکت‌کننده به پایتخت‌ها به پایان رسید، به گونه ای که ایران روز ۲۵ مرداد، پاسخ نهایی خود را برای متن نهایی جوزپ بورل به اتحادیه اروپا تحویل داد تا امیدها به ایجاد گشایش در مذاکرات بررنگتر شود.

آن زمان مشکل اساسی این بود که برخی در ایران از جناح اصولگرا مخالف مذاکره بودند. آنها با اشاره به نیاز اروپا به نفت و گاز روسیه و تحریم روسیه به دلیل حمله به اوکراین مدعی شده بودند که وقتی پاییز برسد اروپا نیاز بیشتری به ایران پیدا می‌کند و ایران می‌تواند امتیازات بیشتری بگیرد. استدلال آنها این بود که اروپا به دلیل نیاز به نفت و گاز ایران در اروپا در غیاب روسیه، امتیازات بیشتری می‌دهد و توافق راحتتر امکانپذیر می‌شود.

البته این تحلیل، یک مشکل اساسی داشت. نخست اینکه ایران حتی برای زمستان خود با چین رابطه قطع شد؟ دلیلش حمله به سفارت سعودی بعد از شهادت شیخ‌نمر توسط عربستان بود. الان شیخ نمر زنده شده یا سعودی تویه کرده؟ گام عقلمانی بعدی احیای برجام است؛ برای ماله‌کشی آماده خواهد بود!

توافق ایران و عربستان، مهمترین اتفاق بین‌المللی در آستانه نوروز

امیدواری برای پایان شعارزدگی و انقلابی‌گری



۱۳۷۷،۲۶ خورشیدی برابر با ۱۹۹۸،۵،۲۷ میلادی توافق کردند… سه کشور اراده قاطع خود را جهت به‌کارگیری تمامی تلاش‌ها برای تقویت صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی اعلام می‌کند. اولین نکته ای که بعد از این توافق باعث تعجب

شده بود:

ایران و عربستان در پکن پذیرفتند که به توافقنامه دو کشور در سال ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ یعنی دوره اصلاحات برگردند. حالا آموزش مذاکره؛ آن هم زیر سایه چین را می‌دهند. ۲۵ سال مردم را اسیر قدرت طلبی خود کردند

شد استقبال عجیب و غریب تندروهای از این توافق بود، همان کسانی که هفت سال پیش از «سفارت نوردی» استقبال و از قطع روابط حمایت کرده بودند.

این موضوع و همچنین بزرگنمایی این توافق و آن را موفقیتی بی نظیر برای دولت رئیسی جا زدن و همچنین عنوان اینکه اصلاح طلبان باید از دولت رئیسی اصول مذاکره را یاد بگیرد، باعث شد که صاحب نظران بسیاری به این موضوع انتقاد کنند. عباس عیدی بود در توثیتی نوشت: ایران و عربستان در پکن پذیرفتند که به توافقنامه دو کشور در سال ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ یعنی دوره اصلاحات برگردند. حالا آموزش مذاکره؛ آن هم زیر سایه چین را می‌دهند. ۲۵ سال مردم را اسیر قدرت طلبی خود کردند.

عبدالنصر همتی، رئیس سابق کل بانک مرکزی نیز در کانال تلگرامی خود نوشت: نوشتند و رفتند توافق ایران وعربستان ضربه کاری به آمریکا و رژیم صهیونیستی بود. مدعیان اصلاحات یاد بگیرند! ما که خیلی وقت پیش اینها را گفته بودیم. خوشحالیم، بالاخره شما هم یاد گرفتید.

مصطفی کوآکیبان دبیر کل حزب مردم سالاری نیز